

## به فرزندم به دلبندم

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۹

DOR: [20.1001.1.27835480.1402.3.14.9.7](https://doi.org/10.27835480.1402.3.14.9.7)

و از احساسات تمامی عناصر وجودم که قابل وصف نیست بنویسم.

چه زیبا احساسی است که همه تار و پودم، تمام فکر و ذکر و هر لحظه‌ی شب و روزم را در خود فرا گرفته.

گاهی همچو آتش پر از شور و هیجانم. گاهی همچون آب لبریز از آرامش و اطمینان. گاهی به مانند خاک سرشار از منطق و اعتمادم و گاه گاهی مثل بادم، آشفته و بی‌قرار.

با خیال نازت چرخه‌ی حیاتم را بارها و بارها با خود مرور می‌کنم.

چه کودکانه بی صبرم و چه بی صبرانه مشتاق. چه مشتاقانه منتظرم و چه منتظرانه صبور. چه صبورانه بی‌قرارم و چه بی‌قرارانه کودک. چه کودکانه بی‌صبرم و ....

مشتاق دیدار روی ماهت و منتظر خواندن پاکترین واژه‌ها از نگاهت.

صدها چهره زیبای معصوم را برای تصور می‌کنم و آینده‌ات را صدها بار با خودم تکرار.

بگذار از شباهتمان بگویم!

تو هر روز قد میکشی و من هر روز بزرگتر می‌شوم.



حسن پیری حور

فرزند دلبندم!

نسیم این بهار، خوش خبر از خوش قدمت داد.

تو لطف و عنایت خدایم، لطیف‌ترین حکایت زمانم، شیرین‌ترین روایت زبانم و من شاکر این اقبال خوش.

وجود مبارکت، وجودم را سراسر شوق است و ذوق، تا پس از گذشت سال‌ها دوباره قلم بردارم و به آغوش دفتر یادداشت‌هایم برگردم.

\* piri2470@gmail.com

بزرگتر می‌شوم تا بفهمم حقیقت مسئولیت را، تا  
استشمام کنم شمیم دلنشین زندگی را، پس از سی‌ویک  
سال. تا بشناسم فرشته‌ای به نام پدر را.

عزیزکم! تلاطم دریای خیالم با تو به اوج می‌رسد  
هنگامی که هم نقطه قوتم می‌شوی، هم نقطه ضعفم.

پاره تنم! حدود شش ماه دیگر با تو کامل می‌شوم. در این  
مدت از هیاهوی دنیای پیش‌رویت می‌نویسم تا دریای  
زندگی را بشناسی.

دریایی که کشتی زندگانی ما بر روی آن به سوی ساحل  
مقصود پیش می‌رود.

و برایت می‌نویسم از جزر و مد این دریای بی‌کران....

راستی!

در یادداشت بعدی‌ام از عظمتی بالاتر از بهشت! برایت  
خواهم نوشت.

از نازنین مادرت....!

بابا

(یادداشت اول)